

## سیر تاریخی کمی و کیفی ترجمه‌های فارسی قرآن محمد علی کوشا

واژه «تَرْجَمَه» در زبان عرب، مصدر رباعی از فعل تَرْجَمَ یَتْرَجِمُ تَرْجَمَةً بر وزن دَخَرَجَ یُدْخِرُجُ دَخْرَجَةً در دو معنا استعمال شده است:  
الف: برگرداندن گفتار یا نوشتار از زبانی به زبان دیگر. تَرْجَمَ کَلَامَ غَیْرِهِ، یعنی سخن دیگری را به زبان دیگر برگرداند.

ب: شرح حال و به اصطلاح بیوگرافی شخص یا اشخاص. تَرْجَمَةُ فُلَانٍ یعنی شرح حال و بیوگرافی فلانی. «تَرْجُمان» نیز به معنای مترجم و شرح حال نویس است (المعجم الوسیط، ماده ترجم). اما در قرن چهارم هجری کلمه «ترجمه» به معنای شرح و تفسیر و بیان نیز استعمال شده است. مثلاً در ترجمه تفسیر طبری عنوان «ترجمه سوره» به جای تفسیر سوره آمده است. ولی در مقام تعریف، ترجمه عبارت است از: برگرداندن متنی از زبانی به زبان دیگر با رعایت مفهوم و محتوای آن متن. در فن ترجمه قرآن رعایت دو عنصر، امری لازم و ضروری است.  
۱. عنصر ادب ۲. عنصر هنر. مراد از عنصر ادب، رعایت جهات ادبی از قبیل صرف، نحو، لغت و اشتقاق؛ و مراد از عنصر هنر، رعایت جهات بلاغی، یعنی فصاحت و بلاغت و جزئیات مربوط به آن است.

پس از نفوذ دین مبین اسلام در ایران و مواجهه فارسی‌زبانان با قرآن کریم، ضرورت ترجمه آن به فارسی به خوبی احساس می‌شد؛ از این رو عده‌ای در همان زمان از سلمان فارسی - صحابی نامدار پیامبر اسلام - تقاضای ترجمه سوره حمد را نمودند. (تاج التراجم،

## سیر تاریخی کتب و کیفی ترجمه‌های فارسی قرآن □ ۵۷

شاهفور بن طاهر اسفراینی، ج ۱، ص ۸، دیباچه، فصل اول).  
و نقل است که سلمان، بسمله را به صورت «به نام یزدان بخشاینده» ترجمه نموده است.  
(المبسوط سرخسی، ج ۱، ص ۳۷). و حبیب عجمی در سال ۱۲۵ هجری قمری، حتی در نماز،  
قرآن را به زبان فارسی می خوانده و ابوحنیفه نیز آن را جایز می دانسته است، و کسانی چون  
موسی بن سیار اسواری (حدود ۱۵۰ هـ) قرآن را به زبان فارسی برای مردم تفسیر می کرده‌اند.  
(البيان والتبيين جاحظ، ج ۱، ص ۲۹۷). اما ترجمه‌های کامل نخستین از قرآن کریم عبارتند از:

### ۱. ترجمه تفسیر طبری

این اثر، ترجمه کامل تمام قرآن در قرن چهارم هجری قمری است که در روزگار  
فرمانروایی منصور بن نوح سامانی (۳۵۰-۳۶۶ هـ) انجام پذیرفته است. این ترجمه به  
دستور امیر سامانی و تجویز علمای ماوراء النهر از روی تفسیر طبری انجام یافته است که اکنون  
از منابع کهن زبان فارسی در ترجمه قرآن کریم محسوب می شود. این اثر که از آن، به عنوان  
«ترجمه رسمی» یاد می شود، حائز اهمیت فراوان است، و بسیاری از ترجمه‌های فارسی  
قرآن، تا قرن هشتم کم و بیش متأثر از آن هستند.

### ۲. ترجمه نسفی

این ترجمه از ابو حفص نجم الدین عمر نسفی (۴۶۲-۵۳۸ هـ) فقیه و مفسر قرن پنجم  
هجری است. این اثر تقریباً موزون و مسجع، به تصحیح دکتر عزیزالله جوینی در سال ۱۳۴۰  
شمسی در دو جلد توسط سازمان اوقاف انتشار یافته و شامل ترجمه همه آیات است.

### ۳. ترجمه تاج التراجم

این ترجمه از شاهفور بن طاهر اسفراینی از عالمان قرن پنجم هجری است که حدود  
سالهای ۴۵۱ تا ۴۷۳ هـ به نگارش درآمده است. این اثر، شیواتر و روان تر از ترجمه طبری و  
از جهت ادبی، اثری قابل توجه و تأثیرگذار است و تا کنون سه مجلد از آن به چاپ رسیده و  
بقیه مجلدات آن به صورت مخطوط است.

#### ۴. ترجمه سوراآبادی

این ترجمه از ابوبکر عتیق نیشابوری معروف به سوراآبادی (حدود سال ۴۹۴ هـ.ق) است. ساختار واژگان این اثر اهمیت فراوانی دارد. نثر آن شیوا و دقت نحوی آن قابل توجه است. ترجمه و تفسیر سوراآبادی به زبان فارسی، گویای تبخّر مؤلف آن در فنّ ترجمه و تفسیر و نشانگر اهتمام و پشتکار او در معرفی کتاب آسمانی پیامبر (ص) برای قاطبه فارسی‌زبانان است. ترجمه سوراآبادی - جدای از تفسیر آن - به صورت مستقل با تحقیق و تصحیح عالمانه آقای محمد مهیار از سوی انتشارات کلیدر در یک جلد در سال ۱۳۸۴ شمسی چاپ و منتشر شده است. کلّ تفسیر در ۵ جلد به همت مرحوم سعیدی سیرجانی انتشار یافته است.

#### ۵. ترجمه ابوالفتوح رازی

این ترجمه تقریباً موزون و مسجّع که از جهت قلت حجم و کثرت معنا، اثری کاملاً ممتاز است، در ضمن تفسیر بزرگ ابوالفتوح رازی درج گردیده و جداگانه نیز چاپ و منتشر شده است. نام اصلی این اثر رُوْضُ الْجَنان و رُوْحُ الْجَنان تألیف حدود سال ۵۳۳ ق به بعد است که ترجمه مستقل آن با تحقیق و تصحیح دقیق آقای محمد مهیار به صورت جداگانه در یک مجلد از سوی انتشارات مطبوعات دینی در سال ۱۳۸۰ شمسی چاپ و منتشر شده است. بهترین تصحیح و طبع آن به همت استادان محمد جعفر یاحقی و مهدی ناصح در ۲۰ جلد انتشار یافته است.

#### ۶. ترجمه میبیدی

این ترجمه اثرگذار و ماندگار، از ابوالفضل رشید الدّین احمد میبیدی است که حدود سال ۵۲۰ ق تألیف شده است. نام اصلی این ترجمه و تفسیر گرانبها کشف الاسرار و عدّه‌الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری است که ترجمه جداگانه آن توسط حبیب الله آموزگار در دو مجلد چاپ و منتشر شده است. این اثر علاوه بر توسعه و تحوّل که در زبان فارسی به وجود آورده، همیشه منبع و مأخذی برای پارسی‌نویسان به‌ویژه مترجمان قرآن کریم از زمان تألیف آن تاکنون بوده است. در روانی و گویایی و شیوایی، بر آثار پیش از خود پیشی گرفته و رونق‌افزای نثر فخیم فارسی شده است.

### ۷. ترجمه بصائر یمنی

این ترجمه از محمد بن محمود نیشابوری، دانشمند قرن ششم هجری قمری است که حدود سال ۵۵۲ هـ.ق آن را به نگارش درآورده است. نثر این ترجمه و تفسیر، روان، گویا، استوار و دلنشین و واژگان آن نموداری از نثر کهن اما از نوع تکامل یافته آن است. این هفت ترجمه به عنوان ترجمه‌های کامل مربوط به قرن چهارم، پنجم و ششم هجری قمری، از جهت ساختار و محتوا، ترجمه‌های کهن و پایه‌ای قرآن کریم به زبان فارسی هستند. اما دیگر ترجمه‌های ناقص که تنها بخشهایی از آنها برجای مانده است، متأثر از آنها و یا بازنویسی و به گونه‌ای تصرف سلیقه‌ای در ساختار واژگان و چینش کلمات آنهاست.

### ۸. ترجمه قرآن ری (قرن ۶)

این ترجمه اثری نفیس و مفید با تصحیح و تحقیق دکتر محمدجعفر یاحقی است که از سوی مؤسسه فرهنگی شهید محمد رواقی در سال ۱۳۶۴ چاپ و منتشر شده است. این اثر، نثری کهن با شیوه تحت اللفظی از مترجمی ناشناس است.

### تذکر

کسانی که درصدد ترجمه‌ای استوار بر پایه ادب زبان فارسی و ساختار واژگان فخیم آن هستند، مطالعه این هشت اثر و دقت در شکل و محتوای آنها برای آنان امری لازم و ضروری است. در غیر این صورت، خود را به رنج نیندازند و نثر پارسی را از درستی و استواری به سستی و بی‌مایگی نکشانند که این عرصه، جولانگاه هر قلم به دستی نیست که قلمی برآرد و نامی درآرد!

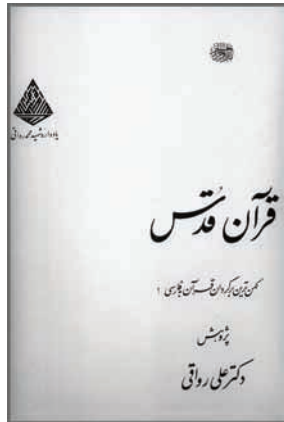
### فهرستی از ترجمه‌های ناقص کهن از قرن چهارم تا دهم

از ترجمه‌های ناقص قرآن کریم، از قرن چهارم تا دهم، تا کنون نسخه‌هایی پراکنده در گوشه و کنار کتابخانه‌های شخصی و عمومی و گاه در میان بناهای کهن به دست آمده که عبارتند از:

۱. قرآن قدس (قرن ۴)

۲. بخشی از تفسیری کهن به پارسی (قرن ۴)

## □ ۶۰ ترجمان وحی



۳. پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی (قرن ۴)
۴. تفسیری بر عَشْرِي از قرآن مجید (قرن ۴)
۵. ترجمه کمبریج (قرن ۴)
۶. ترجمه آهنگین (قرن ۴ یا ۵)
۷. تفسیر شفقشی (قرن ۵)
۸. قرآن موزه پارس (قرن ۵)
۹. ترجمه قرآن ماهان (قرن ۵)
۱۰. تفسیر قرآن پاک (قرن ۵)
۱۱. سوره مائده از قرآن کوفی (قرن ۵)
۱۲. قرآن مترجم به شماره ۶۳۱۵ (قرن ۷)
۱۳. قرآن مترجم به شماره ۱۰۸۹ (قرن ۷)
۱۴. قرآن مخدوم نوح (قرن ۱۰)

چهارده قلمی که از ترجمه‌های ناقص قرآن تاکنون به دست آمده هرچند از جهت قدمت تاریخی و وجود وازگان گوناگون حائز اهمیت فراوانند اما بیشتر آنها به نوعی برگرفته از آثار هفتگانه پیشین‌اند. البته تنها کسانی این امر را درمی‌یابند که به مقایسه همه جانبه نسخه‌های ناقص با آثار کامل یاد شده بپردازند و با اسلوب و ظرافت‌های سبک‌شناسی متون نیز آشنا باشند.

### ترجمه‌های دوران میانه

میانه قرن ششم تا چهاردهم را دوران میانه ترجمه‌های قرآن کریم می‌نامیم. پس از قرن ششم، نثر فارسی به تدریج تغییر محسوسی به سوی عربی‌گرایی پیدا کرد و از حالت سره فارسی و نثر کهن خارج شد. در انتهای قرن هشتم و ورود به قرن نهم، ترجمه و تفسیر گازی یا جلاء الأذهان و جلاء الأحران از ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی پا به عرصه وجود نهاد. اهل فن برآنند که این اثر در واقع بازنویس و تلخیص ماهرانه و استادانه‌ای از تفسیر ابوالفتح رازی است که هرچند نثر آن روان و دلنشین است اما روند عربی‌گرایی آن نیز مشهود و نمایان است.

## □ ۶۱ سیر تاریخی کتب و کیفی ترجمه‌های فارسی قرآن

دومین اثر قابل توجه پس از تفسیر گازر، تفسیر مواهب علیّه از ملا حسین واعظ کاشفی سبزواری است که تاریخ تألیف آن را ۸۹۹ هـ ق دانسته‌اند. در این اثر هرچند اندکی تمایل به نثر کهن دیده می‌شود ولی ساختار آن عربی‌گراست.

سومین اثر، قرآن مترجم چاپ فرهنگستان زبان و ادب فارسی است که به وسیله مترجمی ناشناس در قرن دهم ترجمه شده و به وسیله دکتر علی رواقی تصحیح و تحقیق گردیده است. این ترجمه که به شیوه تحت‌اللفظی متمایل به تطبیقی انجام یافته اثری مفید و قابل توجه است.

چهارمین اثر ترجمه و تفسیر دوران میانه، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین (۹۸۰ ق) از ملا فتح الله کاشانی است که بسیار متأثر از تفسیر مواهب علیّه اما با صبغه شیعی است. نثر این اثر را باید عربی‌گرایی افراطی نام نهاد که در آن خبری از نثر کهن و فارسی سره نیست.

پنجمین اثر، ترجمه و تفسیر ابوالحسن علی بن حسن زواره‌ای (۹۴۶ ق) است که آن هم متأثر از تفسیر مواهب علیّه کاشفی است و از جهت نثری نیز همچون منهج الصادقین است. ششمین اثر، تفسیر شریف لاهیجی از بهاء‌الدین محمد بن شیخ علی شریف لاهیجی (۱۰۸۶ هـ ق) در قرن یازدهم هجری قمری است. ترجمه و تفسیر در این اثر با هم درآمیخته‌اند و مرز چندان مشخصی ندارند.

هفتمین اثر، ترجمه قرآن جمال‌الدین محقق خوانساری است. این اثر مربوط به قرن ۱۲ هجری قمری (۱۱۲۵ ق) و ترجمه‌ای تقریباً تحت‌اللفظی همراه با مختصر توضیح است.

هشتمین اثر، ترجمه قرآن در دوران میانه، مربوط به قرن دوازدهم، ترجمه دهلوی است. این اثر به قلم احمد بن عبدالرحیم معروف به شاه ولی الله دهلوی (۱۱۱۴-۱۱۷۶ ق) با عنوان فتح الرحمن فی ترجمه القرآن مشهور به ترجمه دهلوی، دارای امتیازاتی است. نخست اینکه نثر آن یادآور نثر کهن و به دور از عربی‌گرایی افراطی است. دوم اینکه این اثر، ترجمه‌ای میانه تحت‌اللفظی و تطبیقی است، و سومین امتیاز آن مربوط به گزینش واژگان دقیق و معادل‌های گویا و همچنین دقت نحوی در ترجمه آیات است.

نهمین اثر، ترجمه بصیرالملک در انتهای قرن سیزدهم هجری قمری است. این اثر از میرزا محمد طاهر کاشانی ملقب به بصیرالملک (۱۲۴۹-۱۳۳۰ ق) از رجال فرهنگی دربار ناصرالدین شاه قاجار است. این ترجمه نیز تقریباً تحت‌اللفظی ولی متمایل به تطبیقی است و

نسبت به نثر زمان خود تا حدودی روان و گویاست.

دهمین اثر، ترجمه و تفسیر صفی‌علیشاه (۱۲۷۰ق) در اواخر قرن سیزدهم هجری قمری است. این اثر، هم منشور است و هم منظوم. نثر آن تحت اللفظی و نظم آن متقن و استوار و تفسیر آن نیز به صورت منظوم، کاملاً صبغۀ عرفانی دارد. مترجم آن میرزا حسن اصفهانی ملقب به صفی‌علیشاه از عرفای نامدار و خوش ذوق زمان خود به حساب می‌آید که دارای آثار متعددی به نظم و نثر در عرفان است. ترجمه و تفسیر منظوم صفی‌علیشاه تاکنون استوارترین ترجمۀ منظوم است.

یازدهمین اثر، ترجمه و تفسیر کابلی است. این اثر از محمود حسن دیوبندی و شبیر احمد دیوبندی به زبان اردو بوده و سپس به وسیلهٔ هیئتی از علمای افغانی به فارسی ترجمه شده است. تفسیر آن کوتاه و ترجمه‌اش تحت اللفظی است و اخیراً این جانب ترجمۀ فارسی آن را تصحیح و ویرایش و سپس واژگان نو را جایگزین واژه‌های متروک آن نموده‌ام و بناست که انتشارات احسان در تهران آن را چاپ و منتشر نماید.

دوازدهمین اثر، ترجمۀ انتشار معراجی است که در سال ۱۳۲۳ شمسی از سوی انتشارات معراجی در تهران منتشر یافته است. این اثر به شیوۀ تحت اللفظی از مترجمی ناشناخته و گمنام است و در حواشی آن مختصر توضیحاتی نیز آمده است.

سیزدهمین اثر، تفسیر ناتمام کیوان قزوینی همراه با ترجمۀ آیات است که در سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۵ شمسی در تهران از سوی کتابخانهٔ دانش انتشار یافته است. چاپ جدید این اثر در ۳ جلد از سوی انتشارات سایه به اهتمام و کوشش جعفر پژوم در سال ۱۳۸۴ شمسی در تهران چاپ و منتشر شده است. این ترجمه و تفسیر از سورۀ حمد تا آیهٔ ۳۹ سورۀ توبه را شامل می‌شود. این اثر از جهت ادبی و عرفانی حائز اهمیت فراوان است. حاج ملاعباسعلی کیوان قزوینی که بر اثر مجاهدت فراوان موفق به دریافت رتبهٔ اجتهاد و اخذ اجازه از مرحوم میرزا حبیب‌الله رشتی و علمای دیگر شده بود، مدتی در نجف و کربلا به سر برده و سپس به ایران آمده و در تهران اقامت گزیده بود. تفسیر کیوان استدراکی بر تفاسیر پیش از خود به حساب می‌آید. او در ترکیب نحوی آیات و معرفت لغات، دقت نظر خاصی دارد و نکات بدیع و تازه‌ای در تفسیرش دیده می‌شود. در تفسیر آیات، نخست خلاصۀ تفسیر آیه را به عربی توضیح می‌دهد و آنگاه به ترجمۀ آن می‌پردازد. سپس نکته‌های لطیف عرفانی را در قالب

## سیر تاریخی کمی و کیفی ترجمه‌های فارسی قرآن ۶۳ □

نثری مطبوع و دلنشین بیان می‌کند. در سراسر این اثر، استقلال علمی و اعتماد به نفس و قوت نثر عارفانه مترجم کاملاً نمایان است.

این سیزده اثر، با همه فراز و فرودی که دارند، از ترجمه و تفسیرهای دوران میانه هستند که هرچند هر کدام در حدّ خود قابل توجه‌اند اما صبغه فارسی آنها هرگز قابل مقایسه با آثار پُربهای پارسی‌ناب و استوار قرن چهارم و پنجم و ششم نیست.

### ترجمه‌های قرن چهاردهم

با آغاز قرن چهاردهم، فنّ ترجمه قرآن وارد مرحله نوینی از پویایی و شیوایی شد. در این دوران اندک اندک نثر فارسی تطوری دیگر یافت و کاملاً از نثر دوران میانه فاصله گرفت و به بازسازی نوینی دست یافت و ساختار «نثر معیار» را به خود گرفت و روند ترجمه‌های قرآن از «تحت‌اللفظی» به سوی «تطبیقی» گرایش پیدا کرد.



نخستین اثری که در آغاز این قرن، رخ نمود تفسیر جامع از سید محمد ابراهیم بروجردی است که در سال ۱۳۱۷ شمسی در تهران از طرف کتابخانه صدر انتشار یافت. این اثر، نخست ترجمه آیات به صورت تطبیقی آمده، سپس تفسیر آنها به سبک روایی دنبال شده است. دومین اثر مشهور و اثرگذار این دوره «ترجمه شیخ مهدی الهی قمشه‌ای» است که در سال ۱۳۲۳ شمسی به چاپ رسید و تاکنون عنوان پرتیراژترین و مشهورترین ترجمه قرآن کریم را به خود اختصاص داده است. این

ترجمه به رغم لغزشهای فراوانش، به دلیل روانی نثر و درهم آمیختگی آن با تفسیر و نگرفتن حق التالیف مترجم و آزاد گذاشتن چاپ آن، و از طرفی فقدان رقیب و همانند برای آن در سالهای نخستین نشرش، همچنان مشهور و پرتیراژ - در میان خواص و عوام - به شمار می‌آید. البته در طول بیش از شصت سالی که تاکنون از عمر این ترجمه می‌گذرد، به دلیل اعمال سلیقه‌های گوناگون بر آن، تفاوت چشمگیری در میان نسخه‌های چاپی آن دیده می‌شود. به هر حال نقد و بررسی این ترجمه نسبتاً تفسیری، اگر با دقت انجام پذیرد، خود به



تنهایی حجم کتابی سیصد صفحه‌ای را دربر خواهد گرفت.

سومین اثر در این موضوع، تفسیر عاملی از ابراهیم عاملی خراسانی است که در سال ۱۳۳۶ شمسی جلد نخست آن منتشر شد و در سالهای پس از آن، این اثر هشت جلدی که ترجمه آیات آن با تفسیر همراه است، چاپ و انتشار یافته است.

چهارمین اثر، «ترجمه ابوالقاسم پاینده» است که با مقدمه‌ای بس فخیم، استوار و عالمانه، چاپ نخست آن در سال ۱۳۳۶ شمسی از سوی انتشارات جاویدان در تهران انجام یافت و با استقبال اهل قلم به ویژه ادیبان هنرشناس مواجه گردید. نثر شیوا و استوار پاینده در این ترجمه قلیل‌اللفظ و کثیر‌المعنی گویای تبخّر او در ادب تازی و پارسی است. ولی با همه ظرافت‌ها و زیبایی‌هایش خالی از لغزش و ضعف نیست. نخستین ناقد این اثر، شهید مطهری و سپس سید محمد فرزاد است که نکات مفید و لازمی را در نقدشان یادآور شده‌اند. (رک: مجله یغمه، سال ۱۱، شماره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲ و سال ۱۲ شماره‌های ۱، ۳، ۴ و ۶).

پنجمین اثر، «ترجمه قرآن محمد کاظم معزی» به گونه تحت‌اللفظی است که در سال ۱۳۳۷ شمسی چاپ و منتشر شده و چاپ آن همچنان ادامه دارد.

ششمین اثر، «ترجمه عباس مصباح‌زاده» خطاط و منجم مشهور است که آن هم به شیوه تحت‌اللفظی در سال ۱۳۳۷ شمسی چاپ و منتشر شده است.

هفتمین اثر، «ترجمه و تفسیر احمد نواندیش» از قرآن کریم است که در پنج مجلد در سال ۱۳۳۷ شمسی در تهران از سوی چاپخانه زندگی انتشار یافته است.

هشتمین اثر، تفسیر اثنی‌عشری از حسین بن احمد حسینی شاه عبدالعظیمی است که در چهارده مجلد در سال ۱۳۳۹ شمسی در تهران از سوی شرکت طبع کتاب چاپ شده است.

نهمین اثر، تفسیر خسروی از علیرضا خسروانی از شاهزادگان قاجار است که با تصحیح محمدباقر بهبودی در سال ۱۳۵۰ شمسی از سوی انتشارات کتابفروشی اسلامیة در تهران انتشار یافته است.

دهمین اثر «ترجمه قرآن» منسوب به علامه شیخ ابوالحسن شعرانی است که در سال ۱۳۳۷ شمسی به صورت تحت‌اللفظی منتشر شده است.

یازدهمین اثر، تفسیر اطیب الیبان از سید عبدالحسین طیب اصفهانی است که در ۱۴ جلد از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۷۵ شمسی توسط بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان‌پور و همچنین کتابفروشی

## سیر تاریخی کتی و کیفی ترجمه‌های فارسی قرآن ۶۵ □

اسلام، چاپ شده است.

دوازدهمین اثر تفسیر انوار درخشان از سید محمدحسین همدانی معروف به آفانجفی است که ترجمه آیات آن تقریباً به صورت مضمونی انجام پذیرفته است. این ترجمه و تفسیر با تصحیح محمدباقر بهبودی و گروهی دیگر، در سال ۱۴۰۴ قمری توسط کتابفروشی لطفی در تهران، چاپ و منتشر شده است.

سیزدهمین اثر، پرتوی از قرآن از آیه الله سید محمود طالقانی است. ترجمه و تفسیر پرتوی از قرآن هرچند ناتمام است اما در نوع خود از جهت قلت لفظ و کثرت معنا و استواری در بیان و استحکام در معنا و مفهوم، کم نظیر و از جهاتی بی نظیر است. ترجمه آیات آن تلفیقی از تحت‌اللفظی و تطبیقی است و گاه شباهت‌هایی با نثر کهن نیز در آن دیده می‌شود. (رک: مجله آینه پژوهش، شماره ۱۱۹، نقد ترجمه آیات در تفسیر پرتوی از قرآن، از محمدعلی کوشا). این اثر، بار نخست در سال ۱۳۴۲ شمسی توسط شرکت سهامی انتشار در تهران، چاپ و منتشر شد، و پس از آن بارها تجدید چاپ شده است. این تفسیر و ترجمه، شامل سوره‌های حمد و بقره و آل عمران تا آیه ۲۴ سوره نساء و همچنین جزء آخر قرآن کریم از سوره نبأ تا سوره ناس است.

چهاردهمین اثر، «ترجمه زین العابدین رهنما» است. این ترجمه در چهارجلد در سالهای ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۴ شمسی به وسیله سازمان اوقاف و کیهان چاپ و منتشر شد. این اثر، با مقدمه‌ای هشتاد صفحه‌ای شروع شده و ترجمه آیات به صورت نیم صفحه‌ای در مقابل متن قرار گرفته و پانوشتهای تفسیری فراوانی هم که در هر صفحه تقریباً بیش از یک سوم آن را دربر می‌گیرد ضمیمه گردیده است. در پایان جلد اول و دوم نیز اشعاری از شاعران نامی با عنوان «قرآن در ادب فارسی» درج گردیده است که جمعاً ۱۱۵ صفحه را شامل می‌شود. پانزدهمین اثر، «ترجمه حسین عمادزاده اصفهانی» است که با تفسیر آمیخته گردیده و در سال ۱۳۴۶ شمسی از سوی مکتب قرآن، چاپ و منتشر شده است.

شانزدهمین اثر، «ترجمه شیخ رضا سراج» است که ترجمه نسبتاً دقیق آن همراه با توضیحات کوتاه در میان پرانتز و پانوشتهای مختصر تفسیری در سال ۱۳۵۴ شمسی توسط شرکت سهامی طبع کتاب (خاص) در تهران چاپ شده است. این ترجمه، تقریباً بر اساس تفسیر مجمع‌البیان به نگارش درآمده است.

## □ ۶۶ ترجمان وحی

هفدهمین اثر، «ترجمه عبدالمجید صادق نوبری» با عنوان قرآن برای همه است که ترجمه و تفسیر آن کاملاً با هم درآمیخته است. چاپ اول آن به وسیله شرکت سهامی اقبال در تهران در سال ۱۳۴۸ شمسی انجام یافته است.

هجدهمین اثر، «ترجمه تفسیری فیض الاسلام» است که با عنوان ترجمه و تفسیر قرآن عظیم است که در سال ۱۳۴۸ شمسی به خط طاهر خوشنویس چاپ و منتشر گردیده است. (رک: ترجمان وحی، شماره ۱۴، ص ۱۵ مقاله نقد ترجمه فیض الاسلام، از محمدعلی کوشا). نوزدهمین اثر، «ترجمه حکمت آل آقا» است که در سال ۱۳۵۳ شمسی در تهران به وسیله انتشارات اقبال چاپ و منتشر گردیده است. این اثر، ترجمه‌ای تطبیقی و نسبتاً روان به شمار می‌آید.

بیستمین اثر، «ترجمه جمال‌الدین استرآبادی» است که در سال ۱۳۵۴ شمسی در تهران از سوی انتشارات فراهانی چاپ و منتشر شده است.

بیست و یکمین اثر، «ترجمه سید اسدالله مصطفوی» است که در سال ۱۳۵۵ شمسی همراه با توضیحات تفسیری انتشار یافته است.

بیست و دومین اثر، «ترجمه جعفر دادخواه شیرازی» است که در میان سالهای ۱۳۲۶ تا ۱۳۵۶ شمسی فراهم آمده و به صورت تحت‌اللفظی و سپس با توضیحات تفسیری در ذیل هر آیه ارائه شده است.

بیست و سومین اثر، ترجمه عبدالحسین آیتی (آواره) از قرآن کریم است که با عنوان «کتاب نبی ترجمه فارسی کلام الله مجید» در سه جلد از سوی چاپخانه شرکت سهامی طبع کتاب و چاپخانه یمنی در سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ شمسی چاپ و منتشر شده است. این ترجمه بدون متن آیات همراه با توضیحات تفسیری است.

### ترجمه‌های قرآن پس از انقلاب اسلامی

بی‌گمان، انقلاب اسلامی ایران، تحول بزرگی در فکر و فرهنگ مردم ایران زمین به وجود آورد که یکی از دستاوردهای آن، توسعه همه جانبه فرهنگی است. گرایش به کتاب و کتابخوانی به ویژه تفسیر و علوم قرآنی در دهه اول انقلاب بسیار چشمگیر و بی‌نظیر بود. در قرن ترجمه قرآن در طول سه دهه انقلاب حدود هفتاد ترجمه با سبک و سیاق گوناگون و

## سیر تاریخی کتی و کیفی ترجمه‌های فارسی قرآن ۶۷ □

جذاب‌تر از ترجمه‌های پیش از انقلاب، از سوی مترجمان ایرانی به بازار کتاب عرضه شده که عبارتند از:

۱. ترجمه داریوش شاهین ۲. ترجمه بانو نصرت امین اصفهانی (در تفسیر مخزن العرفان)
۳. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی (در ضمن ترجمه تفسیر المیزان) ۴. ترجمه سید محمد باقر حجتی و عبدالکریم بی‌آزار شیرازی در ذیل آیات در تفسیر کاشف. ۵. ترجمه تفسیری دکتر مصطفی خرّم‌دل (با عنوان تفسیر نور). ۶. ترجمه سید علی اکبر قرشی (ضمن تفسیر احسن الحدیث). ۷. ترجمه حسن مصطفوی (در ضمن تفسیر روشن). ۸. ترجمه جلال‌الدین فارسی ۹. ترجمه عبدالمحمد آیتی ۱۰. ترجمه محمد خواجوی. ۱۱. ترجمه تفسیری مضمونی محمد باقر بهبودی. ۱۲. ترجمه ابوالفضل داورپناه (ضمن تفسیر انوار العرفان).
۱۳. ترجمه ابوالقاسم امامی ۱۴. ترجمه سید جلال‌الدین مجتبیوی. ۱۵. ترجمه احمد کاویان‌پور. ۱۶. ترجمه کاظم پورجوادی. ۱۷. ترجمه محمود صلواتی ۱۸. ترجمه محمود یاسری ۱۹. ترجمه محمود اشرفی تبریزی ۲۰. ترجمه محمدمهدی فولادوند ۲۱. ترجمه ناصر مکارم شیرازی ۲۲. ترجمه علی مشکینی اردبیلی ۲۳. ترجمه بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، در ضمن ترجمه تفسیر جوامع الجامع توسط آقایان: احمد امیری شادمهری، عبدالعلی صاحبی، حبیب‌الله روحانی، علی عبدالحمیدی و اکبر غفوری.
۲۴. ترجمه محسن قرآتی (ضمن تفسیر نور). ۲۵. ترجمه بابا صفری (مقیم استکهلم) با عنوان کتابی با مفاهیم ظاهر آیات. ۲۶. ترجمه علی کرمی فریدنی ۲۷. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی.
۲۸. ترجمه مسعود انصاری خوشابر ۲۹. ترجمه سید مهدی حجتی تحت عنوان گلی از بوستان خدا که بدون متن آیات قرآن چاپ شده است. ۳۰. ترجمه علی اکبر سروری ۳۱. ترجمه اکبر یزدان‌پناه. ۳۲. ترجمه یعقوب جعفری (در ضمن تفسیر کوثر)، ۳۳. ترجمه سید علی غیوری.
۳۴. ترجمه فرزانه زنبقی (ویژه نوجوانان) ۳۵. ترجمه عبدالمجید معادینخواه. ۳۶. ترجمه طاهره صفارزاده ۳۷. ترجمه علی اصغر حلبی. ۳۸. ترجمه علی اکبر طاهری قزوینی.
۳۹. ترجمه سید مهدی دادور (آیت‌اللهی) ۴۰. ترجمه سید کاظم ارفع. ۴۱. ترجمه زهرا روستا (ویژه جوانان). ۴۲. ترجمه قدرت‌الله بختیاری (مقیم آمریکا). ۴۳. ترجمه اصغر برزی ۴۴. ترجمه محمد صادقی تهرانی. ۴۵. ترجمه سید علی موسوی گرمارودی ۴۶. ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور. ۴۷. ترجمه موسی دانش (ضمن ترجمه تفسیر الکاشف). ۴۸. ترجمه

## □ ۶۸ ترجمان وحی

حسین انصاریان. ۴۹. ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی و همکاران ۵۰. ترجمه مسعود ریاعی ۵۱. ترجمه سید حسن ابطحی. ۵۲. ترجمه معصومه یزدان‌پناه. ۵۳. ترجمه حسین استادولی ۵۴. ترجمه نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی ۵۵. ترجمه امیر توحیدی ۵۶. ترجمه هوشنگ آبان ۵۷. ترجمه سید محمد رضا صفوی (بر اساس تفسیر المیزان) ۵۸. ترجمه محمد یزدی ۵۹. ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی (بر اساس ترجمه الهی قمشه‌ای و تفسیر صافی) ۶۰. ترجمه کریم زمانی (همراه با توضیح و تفسیر کوتاه آیات). ۶۱. ترجمه سید علی کمالی دزفولی (چاپ نشده) ۶۲. ترجمه مصطفی رحمان‌دوست (ویژه نوجوانان، شامل جزء آخر قرآن کریم است). ۶۳. ترجمه محمد رضاخانی و حشمت‌الله ریاضی (ضمن ترجمه تفسیر بیان السعادة). ۶۴. ترجمه کلیم‌الله متین (بر اساس ترجمه تفسیر تفهیم القرآن ابوالاعلی مودودی). ۶۵. ترجمه احمد آرام (در ضمن ترجمه تفسیر فی ظلال القرآن سید قطب). ۶۶. ترجمه محمدعلی عابدی (در ضمن ترجمه تفسیر فی ظلال القرآن سید قطب، جزء ۲۹ و ۳۰). ۶۷. ترجمه قرآن حکیم از داریوش قاسمیان دستجردی (چاپ نشده). ۶۸. ترجمه قرآن کریم از ابراهیم کیانی (چاپ نشده). ۶۹. ترجمه قرآن کریم از سید هاشم رسولی محلاتی. ۷۰. ترجمه غلامعلی حدّاد عادل (نزدیک به انتشار).

### ترجمه‌های منظوم قرآن پس از انقلاب اسلامی

ترجمه‌های منظوم قرآن کریم پس از انقلاب اسلامی، هر کدام از تنوع و ارج و اعتباری خاص برخوردارند و آنها عبارتند از:

۱. ترجمه منظوم امید مجد
۲. ترجمه منظوم محمد شائق
۳. ترجمه منظوم کرم‌خدا امینان نهانندی
۴. ترجمه منظوم شهاب تشکری آرانی
۵. ترجمه منظوم سید علی یثربی
۶. ترجمه منظوم سید رضا ابوالمعالی کرمانشاهی
۷. ترجمه منظوم سارا شمیزی تبریزی
۸. ترجمه منظوم جلال ربانی فر

۹. ترجمه منظوم سید محمدعلی محمدی (مشهور به موسوی جزایری).

### انواع فن ترجمه قرآن

به طور کلی پنج نوع ترجمه از قرآن کریم قابل تصور است:

۱. ترجمه تطبیقی ۲. ترجمه تفسیری ۳. ترجمه تحت‌اللفظی ۴. ترجمه مضمونی ۵. ترجمه منظوم.

- مراد از ترجمه تطبیقی، این است که ترجمه، کاملاً منطبق بر متن باشد و این انطباق باید هم در کیفیت و هم در کمیت باشد؛ یعنی هم حجم ترجمه به اندازه حجم متن، و مفهوم و محتوای ترجمه نیز بیانگر مفهوم و محتوای متن باشد. همچون ترجمه ابوالقاسم امامی، بهاء‌الدین خرمشاهی، عبدالمحمد آیتی و سید علی موسوی گرمارودی.

- مراد از ترجمه تفسیری، ترجمه‌ای است که با توضیح و تفسیری کوتاه آمیخته است. همچون ترجمه سید علی‌نقی فیض‌الاسلام، سید محمد رضا صفوی و مصطفی خرّم‌دل.

- مراد از ترجمه تحت‌اللفظی، ترجمه‌ای است که معنای هر کلمه از آیات در زیر آن گنجانده شود، و مترجم در ارائه معانی کلمه به کلمه آیات، خود را مقید به رعایت ضوابط دستوری و زبان مقصد نکند. چنین ترجمه‌ای طبعاً از مقوله ترجمه مصطلح، خارج و در واقع در چهارچوب «لغت معنا» یا «فرهنگ لغات قرآنی» قرار می‌گیرد. همچون ترجمه معزی، مصباح زاده و کابلی. چنانکه از جمع ۱۴۲ ترجمه خطی، فرهنگنامه قرآنی زیر نظر دکتر محمد جعفر یاحقی تألیف و طبع یافته است.

- مراد از ترجمه مضمونی، ترجمه‌ای است که مترجم، تنها مضمون آیات را در قالب زبان مقصد بگنجانند و خود را مقید به تطبیق جمله به جمله ترجمه با متن نگردانند. همچون ترجمه محمدباقر بهبودی با عنوان معانی القرآن. گویا آنچه که به عنوان «ترجمه آزاد» بر سر زبانها جاری است گونه‌ای از ترجمه مضمونی باشد.

- مراد از ترجمه منظوم، ترجمه شعری از قرآن کریم است؛ یعنی مفهوم و محتوای آیات در قالب نظم ارائه شود که طبعاً تا حدود زیادی سمت و سوی ترجمه مضمونی را پیدا می‌کند؛ زیرا قالب نظم هر اندازه دقیق هم باشد، نمی‌تواند مانند نثر، مفاهیم متن را در خود جای دهد. نمونه بارز این گونه ترجمه در زبان فارسی ترجمه و تفسیر منظوم صفی‌علیشاه است.

هرچند هر یک از انواع مذکور ترجمه، کارآمد و ویژه خود را دارد، ولی ترجمه تطبیقی بهتر می‌تواند دو عنصر «ادب» و «هنر» را در خود جای دهد. و سخن پایانی در این باره اینکه: ترجمه باید در لفظ و معنا هماهنگ با متن و به اندازه آن، و مترجم نیز آراسته به زیور ادب و هنر و آگاه به دو زبان و پیراسته از هر گونه کاستی روح و روان باشد، هرچند که در ترجمه قرآن، ذهن محدود بشر آن گونه که باید و شاید به عمق همه حقایق و ظرافت‌های وحی الهی راه نمی‌یابد.

### شرایط مترجم

با توجه به اهمیت فوق‌العاده قرآن کریم، ترجمه آن، که امری بس عظیم و خطیر است از عهده هر کسی بر نمی‌آید بلکه شرایطی خاص دارد که عمده آنها عبارتند از:

#### ۱. آشنایی کامل با دو زبان

پیش از هر چیز، مترجم قرآن باید با زبان مبدأ (قرآن) و زبان مقصد (فارسی و یا هر زبانی که قرآن را بدان ترجمه می‌کند) آشنا باشد. لازمه آشنایی با زبان مبدأ و مقصد، آگاهی کامل از ادبیات و علوم بلاغی آن دو زبان است.

#### ۲. آشنایی با تفسیر و علوم قرآنی

بدون آشنایی با فن تفسیر و مسائل علوم قرآنی، از قبیل شناخت وحی، اسباب نزول، تجوید، ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید و ... ترجمه دقیق قرآن ممکن نخواهد بود.

#### ۳. آشنایی اجمالی با علم فقه

بخش قابل توجهی از آیات قرآن کریم مربوط به احکام و دستورات فقهی است که مجموعاً «آیات الاحکام» را تشکیل می‌دهد. ناآشنا بودن به مسائل و احکام فقهی، سبب نادرستی و نارسایی ترجمه در آیات مربوط به آن می‌شود.

#### ۴. توانایی در ارائه نثری استوار

مترجم قرآن بدون توانایی در فن نگارش درست و استوار زبان مقصد، هرگز موفق به ارائه ترجمه‌ای قابل قبول و ماندگار نخواهد شد. بنابراین، هنر نثرنگاری یکی از شرایط مهم فن ترجمه محسوب می‌شود. توجه و دقت در نثر کهن به ویژه آشنایی با آثار مترجمان قرن

## سیر تاریخی کتی و کیفی ترجمه‌های فارسی قرآن ۷۱ □

چهارم، پنجم و ششم، برای مترجمی که استواری و ماندگاری ترجمه‌اش را در سر می‌پروراند امری لازم و ضروری است، زیرا نثر استوار امروزمین، ریشه در نثر ماندگار گذشته دارد. بنابراین بدون مایه‌های ادبی پارسی در آثاری همچون ترجمه تفسیر طبری، تاج‌التراجم اسفراینی، سورآبادی، ابوالفتوح رازی، میدی و کتابهایی همچون تاریخ بلعمی، تاریخ بیهقی، چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، گلستان سعدی، بهارستان جامی و منشآت قائم مقام فراهانی و... سزاوار نیست با تکیه بر نثر روزنامه‌ای و زبان محاوره‌ای کوچه و بازاری به ترجمه کلام الهی پرداخت.

ملاک نثر استوار در ترجمه قرآن، نثر معیار برگرفته از «مایه ادب» و «عنصر هنر» است آری، آشنایی با «فقه اللغه» و بهره‌گیری از فرهنگ لغات معتبر همچون العین، مقایسه اللغه، المصباح المنیر، لسان العرب، تاج العروس به ویژه صحاح اللغه جوهری امری اجتناب‌ناپذیر است. همچنین مراجعه مستمر به لغت‌نامه‌های خاص قرآن که تعداد آنها در مرز ۱۵۰ کتاب است و استفاده از تفاسیر گوناگون معتبر همچون تفسیر ابوحیان اندلسی، بیضاوی، زمخشری، مجمع‌البیان، فخر رازی و المیزان خصوصاً انواع «اعراب القرآن»ها لازمه مقبولیت یک ترجمه گویا و رساست.

۵. آگاهی صحیح از علم کلام نیز از جمله شرایط یک مترجم توانمند است؛ زیرا بخش اعظم آیات قرآن کریم مربوط به مسائل اعتقادی است که ترجمه دقیق آنها بدون شناخت دقیق علم کلام ممکن نخواهد بود. سخن پایانی در این باره اینکه ترجمه باید در لفظ و معنا هماهنگ با متن و به اندازه آن، و مترجم نیز آراسته به زیور ادب و هنر و آگاه به دو زبان و پیراسته از هر گونه کاستی روح و روان باشد.

